

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

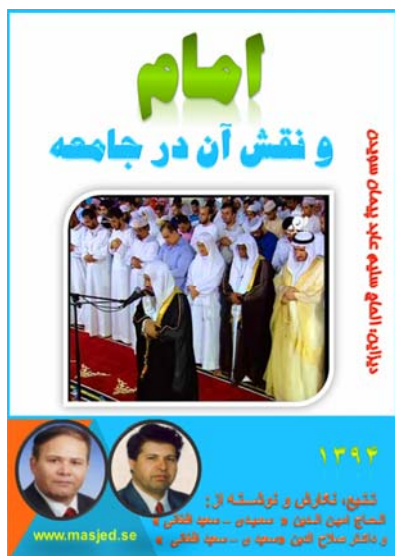
الحاج داکتر امین الدین سعیدی- سعیدافغانی

۳۱ اگست ۲۰۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

امام و نقش آن در جامعه

۱



تعریف امام :

امام کلمه ای عربی و به معنای پیشوا و رهبر آمده است . پیشوا به معنای پیشرو می باشد . امام می تواند شخصی عادل باشد و هکذا می تواند شخصی غیر عادل و گمراه باشد . طوری که قرآن عظیم الشان هر دو مفهوم را در آیات متبرکه بیان نموده است:

قرآن عظیم الشان می فرماید: « و جعلنا هم ائمة یهدون بامرنا » (سوره انبیاء آیت : ۷۳) (ما آنها را پیشوایان هادی به امر خودمان قرار دادیم) همچنان در جای دیگر می فرماید : « ائمة یدعون الی النار » (سوره قصص آیه ۴۱)

(پیشوایانی که مردم را به سوی آتش می خوانند)

سعدالدین تفتازانی و میر سید شریف جرجانی و سیف الدین آمدی گفته اند :

« الامامة رئاسة عامة لشخص من الاشخاص – امامت ریاست عمومی است برای شخصی از اشخاص » (شرح المقاصد ، جلد ۵ ، صفحه ۲۳۴ – شرح مواقف ، جلد ۸ ، صفحه ۳۴۵ – ابکار الافکار ، جلد ۳ ، صفحه ۴۱۶).

قاضی عضدالدین ایجی گفته است:

«الامامة خلافة الرسول في اقامة الدين بحيث يجب اتباعه على كافة الامة»(امامت خلافت (جانشینی) رسول است در اقامه دین ، به گونه ای که واجب است تبعیت از او برای همه امت» (شرح مواقف ، جلد ۸ ، صفحه ۳۴۵)

سیف الدین آمدی در تعریف دیگری گفته است:

«ان الامامة عبارة عن خلافة شخص من الاشخاص للرسول في اقامة الشرع و حفظ حوزة الملة على وجه يجب اتباعه على كافة الامة – همانا امامت عبارت است از خلافت شخصی از اشخاص برای رسول در اقامه شرع و حفظ حوزة ملة (دین) به نحوی که تبعیت از او واجب می شود بر همه امت.»(ابکار الافکار ، جلد ۳ ، صفحه ۴۱۶)

ابن خلدون در تعریف امام میفرماید:

«الامامة خلافة عن صاحب الشرع في حراسة الدين و سياسة الدنيا.» امامت خلافت (جانشینی) صاحب شریعت است در حراست از دین و سیاست و مدیریت دنیا.» (مقدمه ابن خلدون)

در بدو اسلام بعد از این که اساس حکومت اسلامی بنیاد یافت کسی که به حیث امام مسلمین تعیین می گردد همین شخص هم به حیث امیر محسوب می شود و هم به حیث امام نماز (ملا امام و خطیب مسجد) و هم مسؤول امور قضائی و به اصطلاح قاضی که امور قضائی را در زیادتاری از موارد پیش می برد.

اما به مرور زمان و تدریج با وسعت گرفتن امور اسلامی و جامعه اسلامی این وظایف، از هم جدا می شود و برای هر یک از این بخش ها شخص مستقل تعیین و تو ظیف می گردد.

اصطلاح امام اکبر بر کسی اطلاق می شود که همان مفهوم اولی مسأله را دربر می گیرد. در این میان بحث قاضی نیز مطرح است.

در قرآن عظیم الشان سه نفر با عنوان امام یاد شده است که آن سه نفر عبارتند از:

(حضرت ابراهیم، حضرت اسحاق و حضرت یعقوب) (وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۗ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۗ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) (سوره بقره-آیت ۱۲۴) (وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ) (سوره انبیاء-آیت ۷۳)

ولی به صورت کل کلمه «امام» دوازده بار در قرآن عظیم الشان مورد استفاده قرار گرفته است که مفسرین می نویسند که هفت بار آن به صورت مفرد آمده و پنج بار به شکل جمع آمده است که از جمله بشرح ذیل است:

- «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (و هر چیزی را در کارنامه‌ای روشن برشمردیم.) (سوره یس: ۱۲)

- «وَ إِنَّهُمَا لِيَأْمُرُ مُبِينٍ» (و آن دو (شهر، اکنون) بر سر راهی آشکار است.) (سوره حجر ۷۹)

- «وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابٌ مُوسَىٰ إِمَامًا وَ رَحْمَةً» (پیش از وی (نیز) کتاب موسی راهبر و مایه رحمت بوده است) (سوره احقاف: ۱۲) و (سوره هود ۱۷)

- «قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم.) (سوره بقره ۱۲۴)

- «وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند.) (سوره انبیاء: ۷۳، سوره فرقان: ۷۴، سوره قصص: ۵۰ و سوره سجده ۲۴).

- «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» (پس با پیشوایان کفر بجنگید.) (سوره توبه ۱۲ و سوره قصص: ۴۱).

- «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (یاد کن روزی را که هر گروهی را با پیشوایان فرا می خوانیم) (سوره اسراء ۷۱)

خواننده محترم!

بحث ما درین تحقیق و تتبع مسایل مربوط به امامت نماز است که کوشش خواهیم کرد که بحث اساسی خویش را به این مفاهیم متمرکز سازیم.

انتخاب امام:

امامت به صورت عموم و به خصوص انتخاب امام امامت در نماز در دین مقدس اسلام و مجتمع اسلامی یکی از مقامهای بس بزرگ و پر مسؤولیت و سترگی به شمار می رود و به اصطلاح امام جانشین و قائم مقام پیامبر صلی الله علیه و سلم می باشد.

امامت مسجد و امامت نماز به شخصی باید تفویض گردد که از هر نگاه نسبت به همه نماز گزاران شخص بر تر، بهتر، عالم، با تقوا، ایثار گر، فداکار و محبوبتر بوده ببنش، حکمت و بصیرتیش در مسایل دینی و شرعی نسبت به سایر نماز گزارانی که در آن مسجد نماز می خوانند، بیشتر باشد.

اگر چند نفر با هم بودند و مسجد از آنها دور بود، باید با هم نماز خود را به صورت جماعت بخوانند، از ابوالدرداء روایت است که گفت: از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که می فرمود: «ما من ثلاثة فی قریة ولا بدو لا تقام فیهم الصلاة إلا قد استحوذ علیهم الشیطان فعلیکم بالجماعة فإنما يأکل الذنب من الغنم القاصیة» (هرگاه در یک قریه و یا هم سفر، صحرا و بیابان، گروهی (مذکر) به سه نفر رسیدند و نماز جماعت را، برقرار نکردند بی گمان شیطان بر آنها، چیره می شود. پس نماز جماعت را به پای دارید و بر ادای آن مواظبت کنید و به جماعت بپیوندید و تکروری نکنید، چه بی گمان گرگ آن گوسفندی را می خورد که از گله جدا و دور مانده باشد). (ابوداود با اسناد «حسن» آن را روایت کرده است.

بنابراین بر طبق امر و هدایت پیامبر صلی الله علیه و سلم اگر حداقل سه نفر با هم یکجا جمع بودند، لازمست نماز خود را به صورت جماعت اداء نمایند نه آن که هرکس خود به تنهایی نمازش را بخواند و برود، تا شیطان بر آنها چیره نشود و مشمول این حدیث نگردند.

اوصاف لازمة امام :

در مورد این که امام داری چه اوصافی باشد، به بهترین حدیثی که از ابومسعود انصاری روایت گردیده است استناد می نمایم: «یوم القوم أقرهم لکتاب الله، فإن كانوا فی القراءة سواء فأعلمهم بالسنة، فإن كانوا فی السنة سواء فأقدمهم هجرة، فإن كانوا فی الهجرة سواء فأقدمهم سلما و لا یؤمن الرجل الرجل فی سلطانه، و لا یقعد فی بیته علی تکرمته إلا بإذنه» (مردم را قاری ترینشان به کتاب الله امامت کند، اگر در قرائت مساوی بودند آگاهترین آنها به سنت، اگر در سنت مساوی بودند کسی که در هجرت مقدم است، اگر در هجرت مساوی بودند کسی که زودتر اسلام آورده است، و هیچ کس به جای صاحب خانه (یا امام مسجد) امامت نکند و در جای مخصوص او ننشیند مگر به اجازه او). (مسلم ۶۷۳) در روایت دیگری آمده: «اگر در هجرت با هم مساوی بودند مسن ترین آنها امامت کند». و این روایت مسلم است. از فحوای این حدیث به وضحات تام معلوم می گردد: صاحب خانه و امام دائم و مانند اینها از دیگران به امامت شایسته تراند، مگر این که خودشان (صاحب خانه و امام دائم) اجازه دهند به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه و سلم: (ولا یؤمن الرجل الرجل فی سلطانه...).

بنابراین یک نفر امام دارای اوصاف و فضیلت های ذیل می باشد:

- ۱- هرکس که قرائتش از بقیه بهتر بود و به خصوص توانائی بهتری در قرائت فاتحه داشت، او امامت کند.
- ۲- اگر دو یا چند نفر بودند که قرائتشان خوب بود، پس در بین آنها کسی امامت کند که علم شرعی بیشتری داشته باشد.
- ۳- اگر دو یا چند نفر وجود داشتند که هم قرائتشان و هم آگاهی و فهم دینیشان مساوی بود، کسی برای امامت پیش کشیده شود که اهل تقوا بیشتر است، و لازمست بقیه به او پیشنهاد امامت دهند زیرا کسی که اهل تقوا باشد، ادعای تقوا نمی کند.
- ۴- اگر همه افراد این خصوصیات فوق الذکر را داشتند، کسی که از همه مسن تر است امامت نماید.

و اگر افرادی در منزل کسی مهمان بودند، طوری که فوقاً در حدیث بیان گردید، اولویت در امامت به صاحب خانه یا میزبان داده شود، مگر آن که او به بقیه اجازه امامت دهد.

اگر هیچ کدام از افراد قرائت خوبی نداشتند، پس به ترتیب بقیه موارد دیگر اولویت را تعیین می کند، مثلاً کسی که آگاهی شرعی بیشتری دارد او امام شود.

اگر هیچ کس از بین آنها نه قرائت خوب و نه علم شرعی داشت، پس آنکسی که اهل تقواست امامت نماید.

اگر هیچ کدام نه قرائت خوب و نه علم شرعی و نه تقوای زیادی نداشتند، پس مسن ترین آنها امامت نماید.

مهم اینست که نماز جماعت نباید به هیچ عنوان وبه هیچ بهانه ای ترک گردد، و نباید در اقامه نماز جماعت استدلال اضافی را به وجود آورد.

خواننده محترم!

طوری که می فهمید: برای امامت کدام تدبیر و اجراءات فوق العاده و اضافی به کار نیست، و ترتیب نماز جماعت، به مانند بجاء آوردن نماز عادی است، منتها شخصی که مسؤلیت امامت را به دوش می گیرد در قلب نیت امامت را به عمل می آورد و تکبیرات انتقال را با صدای بلند می خواند و اگر نماز جهری بود، فاتحه و سوره بعد آن را در دو رکعت اول با صدای بلند و جهر می خواند تا بقیه بشنوند و هنگامی که از رکوع برخاست «سمع الله لمن حمده» را با صدای بلند می خواند، و مقتدیان (ربناک الحمد، را خفیه می گویند) و برای امامت همین قدر کافیه است تا امامت او مفید واقع شود.

شرایط امامت:

فقهاء در مورد شرایط امامت جماعت می نویسند: امام باید مسلمان باشد. این بدین معنی است اگر امام جماعت مسلمان نباشد، نمازش باطل بوده و بالای مقتدی است تا نمازش را اعاده کند.

امام باید عاقل و بالغ باشد:

امام باید عاقل باشد این بدین معنی است امامت دیوانه درست نیست.

مرد (برای اقامت مرد ها) و هکذا امام از هرگونه عذر شرعی سالم و میرا باشد. همچنین بدن وی از نجاسات پاک بوده و زبان وی نیز از هرگونه عیوبی سالم باشد. همچنان امام از اعدا مثل سلسل البول، خون بینی، اسهال دائمی و امثال آن سالم باشد.

تبصره حکمی:

طوری که که قبلاً تذکر دادیم که امامت در شرع اسلامی، مقامی بس سترگ و عظیمی است، بناءً در احادیث متعددی وظایف امام توضیح و تشریح گردیده است که از جمله می توان به حدیث ذیل اشاره نمود. «شخصی می تواند وظایف امام را عهده دار گردد که نسبت به سایرین به کتاب الله قاری تر باشد، اگر در قرائت مساوی بودند آگاهترین و عالم ترین آنها در احکام شرعی و به سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم باشد، اگر در سنت مساوی بودند کسی که در هجرت مقدم است، اگر در هجرت مساوی بودند کسی که زودتر اسلام آورده است و هیچ کس به جای صاحب خانه (امام مسجد) امامت نکند و در جای مخصوص او ننشیند مگر به اجازه او.

از فحوای این حدیث معلوم می شود که صاحب خانه در امامت شایسته تر است، مگر این که خود صاحب خانه و یا امام دائم برای کسی دیگری. به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم «ولا یؤمن الرجل الرجل فی سلطانه...»

اجازه دهند. (مختصر صحیح مسلم ۳۱۶)، (صحیح مسلم ۶۷۳/ ۴۶۵ / ۱) ، (سنن ابو داود) عون المعبود ۵۷۸ / ۲۸۹ / ۲) ، (سنن نسائی ۲۳۵ / ۱۴۰ / ۱)

امامت کودک:

در مورد این که امامت شخصی کودک برای مأموم و مقتدی های بالغ درست و صحیح است و یا خیر موضوعی است که قابل اختلاف در بین علماء بوده که نظریات آن مختصراً قرار ذیل تذکر می یابد .

امام صاحب شافعی میفرماید:

امامت کودک را که حتی در سنین شش و هفت هم قرار داشته باشد و توانمندی و شرایط و فهم و ظایف امامت را داشته باشد، می تواند مسؤولیت امامت نماز مسلمین را به دوش گیرد و استدلال خویش را به حدیثی روایت شده از عمرو بن سلمه به شرح ذیل مورد استناد قرار داده است :

عمرو بن سلمه می افزاید: « وقتی که واقعه فتح مکه روی داد هر قومی در مسلمان شدن عجله می کردند ، پدرم قبل از قومش اسلام آورد، وقتی بر گشت گفت: به خدا قسم از نزد کسی آمده ام که حقیقتاً پیامبر است و گفته است : فلان نماز را در فلان وقت و فلان نماز را در فلان وقت بخوانید و هر گاه وقت نماز فرا رسید یکی از شما آذان بگوید و کسی که بیشتر قرآن را می داند برای شما امامت کند ، نگاه کردند کسی غیر از من نیافتند که بیشتر قرآن بداند ، چون قرآن راز کاروانیان یاد گرفته بودم ، پس مرا امام خود شان قرار دادند در حالی که در آن هنگام سن من شش ساله یا هفت ساله بود.» (صحیح سنن نسائی ۷۶۱) ، (فتح الباری ۴۳۰۲ / ۲۲ / ۸) ، (سنن ابو داود ۵۸۱ / ۲۹۳ / ۲).

«عَنْ عَمْرِو بْنِ سَلْمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا بِمَاءِ مَمَرِ النَّاسِ، وَكَانَ يَمُرُّ بِنَا الرُّكْبَانُ فَسَأَلَهُمْ: مَا لِلنَّاسِ؟ مَا هَذَا الرَّجُلُ؟ فَيَقُولُونَ... وَبَدَرَ أَبِي قَوْمِي بِإِسْلَامِهِمْ، فَلَمَّا قَدِمَ، قَالَ: جِئْتُكُمْ وَاللَّهِ مِنْ عِنْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: صَلُّوا صَلَاةَ كَذَا فِي جِبِينِ كَذَا، وَصَلُّوا صَلَاةَ كَذَا فِي جِبِينِ كَذَا، فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَلْيُؤَدِّنْ أَحَدُكُمْ، وَلْيُؤَمِّكُمْ أَكْثَرُكُمْ قُرْآنًا، فَتَنْظُرُوا فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ أَكْثَرَ قُرْآنًا مِنِّي، لِمَا كُنْتُ أَتْلَقِي مِنَ الرُّكْبَانِ، فَقَدَّمُونِي بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَأَنَا ابْنُ سِتٍّ أَوْ سَبْعِ سِنِينَ، ... الخ.» (بخاری: ۴۳۰۲)

ولی امام صاحب ابو حنیفه، امام صاحب مالک و امام صاحب حنبل امامت کودک نابالغ را برای مأموم های بالغ صحیح نمی دانند و استدلال می آورند که نماز برای کودک اصلاً واجب نبوده و نماز (فرض) برایش حکم نماز نافله (سنتها) دارد درحالی که بر مأموم فرض است و استدلال خویش را به حدیثی زیر مستند نموده و می فرماید :

«رفع القلم عن ثلاثة: عن الصبي حتى يبلغ...» الحديث. یعنی: (بر سه دسته تکلیف نیست: بر کودکی تا بالغ می شود و... تا انتهای حدیث.)

امامت کودک در نماز های نفلی :

همچنان علماء در مورد این که کودک می تواند در نماز های نفلی، امامت مأموم بالغ را به دوش بگیرد نیز با هم اختلاف دارند :

امام احمد و امام شافعی و امام مالک امامت کودک را در نماز های نفلی صحیح می دانند. ولی امام صاحب ابو حنیفه به نظریه قبلی خویش ایستاد شده و امامت کودک را حتی در نماز های نفلی نیز برای مأموم های بالغ جایز نمی دانند.

شیخ ابن عثیمین رحمة الله :

شیخ ابن عثیمین رحمۃ اللہ در مجموع الفتاوی خود (سؤال ۱۰۰۸ کتاب الصلاة) با استناد به حدیث عمرو بن سلمة امامت کودک را در فرائض و نوافل صحیح می دانند و گفته که این عمل عمرو در زمان حیات پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم به وقوع پیوسته و ممکن نیست که در زمان وحی امری مقرر شود که آن جایز نباشد.

ادامه دارد